

کفایت غسل از وضو

محمد حسین مهوری

چکیده: کفایت غسل از وضو از مسائلی به شمار می‌رود که فقیهان نظریاتی گوناگون درباره آن دارند. مشهور به کفایت غسل جنابت از وضو معتقد است، ولی در این میان گروهی به استناد تعدادی از احادیث به کفایت تمام غسل‌های واجب یا تمام غسل‌های واجب و مستحب نظر داده‌اند.

با این حال، هیچ فقیهی به مشروعیت و استحباب غسل در همه موارد مشروعیت وضو فتوا نداده است، بلکه مشروعیت و استحباب غسل در هر موردی باید دلیل خاص داشته باشد. بنابراین، اختلاف نظر در کفایت غسل از وضو پس از فرض مشروعیت و استحباب غسل در موارد خاص است.

این مقاله با استناد به ادله، نظریه کفایت غسل از وضو را در همه غسل‌های واجب و مستحب تقویت می‌کند و آن‌گاه با استناد به برخی ادله این احتمال را مطرح می‌کند که غسل به طور مطلق همانند وضو برای یکی از غایبات مشروع، مستحب و یا مستحب نفسی باشد و از این رو، اثبات مشروعیت غسل نیاز به دلیل خاص ندارد.

کلید واژه‌ها: غسل، وضو، غسل جنابت، حدث اصغر، حدث اکبر، کفایت، استحباب نفسی.



نظریات فقهای شیعه

فقیهان شیعه درباره کفایت غسل جنابت از وضو اختلافی ندارند. و بسیاری از آنان در این باره ادعای اجماع نموده‌اند.^۱ افزون بر این، مشهور فقها با غسل جنابت وضو را نامشروع می‌دانند و کتاب الذکری آن را به اصحاب نسبت داده و کتاب المتتهی از آن به «عندنا» تعبیر کرده است.^۲ مرحوم خوئی (قده) نیز وضوی با غسل جنابت را بدعت و حرام دانسته است.^۳ در این میان، مرحوم شیخ طوسی (قده) در التهذیب به استحباب وضو همراه با غسل جنابت فتوا داده است.^۴ وی در این باره به دو روایت استناد کرده که بر تقیه حمل شده است.^۵ درباره کفایت دیگر غسل‌ها از وضو در میان اصحاب اختلاف است و مشهور نظریه عدم کفایت را برگزیده‌اند. در کتاب المعبر و الذکری این نظریه را به بیشتر فقها نسبت داده‌اند، بلکه در این باره شهرتی گسترده وجود دارد و از امالی صدوق (قده) نقل شده است: «اقرار به لزوم وضو در آغاز هر غسل از آیین امامیه است.»^۶

از آن سوی، سیدمرتضی و ابن جنید^۷ و اردبیلی صاحب المذاکر، الذخیره، المفاتیح، الحدائق و الوسائل تمام غسل‌ها را بی‌نیاز کننده از وضو می‌دانند و مرحوم حکیم (قده) آن را بعید ندانسته است.^۸ در میان فقهای

۱. الخلاف، ص ۱۳۱، مسأله ۷۴؛ مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۹؛ جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۰.
۲. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۰.
۳. التقیح، ج ۶، ص ۴۹۷.
۴. مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۰.
۵. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۰.
۶. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۰.
۷. مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۰.
۸. مستمسک العروه، ج ۳، ص ۳۴۵.



معاصر این نظریه طرفداران بیشتری پیدا کرده است و بسیاری از علمای زمان ما به این نظریه فتوا داده‌اند.

نظریات فقهای اهل سنت

درباره اجزاء غسل از وضو در میان اهل سنت نظریات گوناگونی وجود دارد: یکم. اجزاء در تمام موارد و استحباب غسل قبل و یا بعد از آن؛ مالکیه و شافعی در یکی از نظریاتش به این قول فتوا داده‌اند.

دوم. عدم اجزاء و وجوب وضو قبل یا بعد از غسل؛ احمد و شافعی در یکی از اقوالشان و داوود ظاهری.

سوم. عدم اجزاء و وجوب وضو پیش از غسل؛

چهارم. وجوب وضو پیش از غسل و بنابراین، ساقط شدن شستن اعضای

چهارگانه وضو در غسل؛

شافعی در یکی از نظراتش آن را پذیرفته است.

پنجم. تفصیل میان نیت وضو و غسل با هم که کفایت می‌کند و میان عدم

نیت وضو که کفایت نمی‌کند؛ احمد در یکی از اقوالش و ابن قدامه این نظر را پذیرفته‌اند.^۹

از آنچه گذشت، مکفی ندانستن غسل به طور مطلق صحیح نیست،

چنان که برخی چنین نسبتی را داده‌اند.^{۱۰} علوم انسانی

ادله نظریه عدم اجزاء

برای عدم کفایت غسل از وضو غیر از غسل جنابت به ادله‌ای استدلال کرده‌اند که عبارتند از:

۹. الخلاف، ج ۱، ص ۱۳۱، مسأله ۷۴؛ شرح صحیح مسلم، للنووی، ج ۳ و ۴، ص ۲۳۴؛ المغنی

لابن قدامه، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۸۹؛ الفقه الاسلامی وادلته، وهبة الزحیلی، ج ۱، ص ۵۳۱

۱۰. الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۴۶.

الف) اجماع منقول از امالی صدوق (قده) که با شهرت بزرگ تأیید شده است، به ویژه آنکه در میان مشهور کسانی وجود دارند که تنها به قطعیات عمل می‌کنند و نیز در میان آنان مواردی است که فتوای آنها برگرفته از متون روایات است، مانند: النهایه و الفقیه و الهدایه.^{۱۱}

به این دلیل اشکال می‌شود:

نخست آنکه مخالفت شخصیتی همانند سیدمرتضی (قده) اعتبار این اجماع را ضعیف می‌کند؛

دوم آنکه مستند اصحاب در عدم اجزاء جمع میان روایات و تأویل روایات اجزاء است. بنابراین، اجماع مستند به ادله‌ای است که در اختیار ماست و دلیل مستقلی در مسأله به شمار نمی‌آید.

ب) استصحاب حدث اصغر در مواردی که همراه حدث اکبر، حدث اصغر نیز وجود دارد.^{۱۲}

به این دلیل چنین اشکال می‌شود که فقط در موارد فقدان دلیل اجتهادی در مسأله به استصحاب مراجعه می‌شود و در این مسأله روایاتی بر دو طرف دلالت می‌کند که باید به نحوی میان آنها جمع کرد و بر فرض عدم امکان جمع عرفی و تعارض و تساقط آنها باید به عمومات مراجعه نمود، نه به اصول عملیه و با فرض نبود عموم و اطلاق در مسأله آن‌گاه به اصول عملیه نوبت می‌رسد.

ج) عموم و اطلاق روایاتی که دلالت می‌کنند بول و مانند آن در همه موارد سبب وجوب وضو برای یکی از غایت‌ها می‌شود؛ بنابر مقتضای این عمومات و اطلاقات هنگام حدوث یکی از اسباب وضو باید برای غایات، وضو گرفته شود، خواه غسل واجب یا مستحبی انجام گرفته باشد یا نه و در مواردی که تنها حدث اکبر - بدون حدث اصغر - از انسان سرزده است و این عمومات و اطلاقات شامل آن نمی‌شود - مثل آنکه شخص با وضو مس میت کرده باشد -

۱۱. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۱.

۱۲. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۱.

در این موارد به دلیل عدم قول به فصل، وضو واجب می‌شود؛ زیرا هیچ یک از فقهاء میان موارد حدوث حدث اصغر و عدم حدوث آن تفصیل نداده‌اند و همه یا به صورت مطلق وضو را واجب کرده‌اند و یا غسل را مجزی از وضو می‌دانند.^{۱۳}

به این دلیل چنین اشکال می‌شود که عموم و اطلاق ادله سببیت بول و مانند آن درباره موارد انجام غسل معارض با ادله کفایت غسل از وضو نیست، بلکه ادله کفایت غسل از وضو بر فرض تمام بودن حاکم بر آن عمومات و اطلاقات است؛ زیرا آنها دلالت می‌کنند که در همه موارد حدث اصغر وضو لازم است و ادله کفایت دلالت می‌کنند که در موارد انجام غسل از وضو بی‌نیاز می‌کند و نیازی به گرفتن وضو نیست.

(د) آیه «اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهکم»^{۱۴} هنگامی که تصمیم به نماز گرفتید، صورت‌هایتان را بشویید.

دلالت می‌کند که در همه موارد حدث اصغر باید برای نماز وضو گرفته شود، اعم از آنکه مکلف غسل کرده باشد یا نه. و شخص به دلیل «حتی تفتسلوا»^{۱۵} تا اینکه غسل کنید. و به دلیل «و ان کتم جنبا فاطهروا»^{۱۶} و اگر جنب بودید تحصیل طهارت کنید» خارج می‌شود؛ زیرا از آن فهمیده می‌شود که دستور نخست برای غیر جنب است. هم چنین جنب به دلیل اجماع آن خارج می‌شود و دیگر موارد در عموم آن باقی می‌مانند.

البته آیه تنها شامل مواردی می‌شود که همراه حدث اکبر، حدث اصغر نیز حادث شده باشد و مواردی را که فقط حدث اکبر حادث شده باشد، شامل نمی‌شود که این موارد با عدم قول به فصل به مدلول آیه افزوده می‌شود،

۱۳. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۱.

۱۴. سوره مائده، آیه ۶.

۱۵. سوره نساء، آیه ۴۳.

۱۶. سوره مائده، آیه ۶.

چنان که در دلیل پیشین توضیح داده شد. ۱۷

به این استدلال اشکال شده است:

یکم. مقصود از آیه برخاستن از خواب است و بر این تفسیر ادعای اجماع شده است؛

دوم. «اذا» از ادات اهمال است و عمومیت از آن استفاده نمی شود.

به این دو اشکال چنین پاسخ می دهند: که عرف بر نادرست بودن این ادعا دلالت می کند و افزون بر آن این ادعا سبب می شود که سخن حکیم فایده کامل نداشته باشد. ۱۸

به این دلیل اشکال می شود که آیه بر اشتراط طهارت (وضو یا غسل یا تیمم) در نماز دلالت می کند؛ زیرا هر چند ظاهر صدر آن بر اشتراط وضو در هر نمازی دلالت می کند؛ ولی جمله: «ولکن لیطهرکم؛ بلکه می خواهد شما را پاک کند.» بر اشتراط طهارت در نماز دلالت می کند و نه خصوص وضو، بنابراین، آیه درباره وجوب و ضد در هر نمازی اطلاق ندارد. افزون بر آنکه آیه در مقام تشریح است و آیات تشریح کننده به ندرت از همه جهات دارای اطلاق هستند. ۱۹

بنابر آنچه گذشت، آیه تنها بر اشتراط طهارت در نماز دلالت می کند و وضو خصوصیتی ندارد و بر فرض پذیرش اطلاق آیه موارد غسل را شامل نمی شود؛ زیرا شکی نیست که اطلاق آیه شامل غسل جنابت نمی شود؛ زیرا آن در آیه جدا شده است و باتوجه به اینکه سیره و روش شارع در بیان تفاسیل احکام هر باب این است که ابتدا احکام اصل آن باب را به طور تفصیل بیان می کند و سایر اعمال را به آن ملحق می نماید، چنان که در نماز و روزه و طواف

۱۷. مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۰.

۱۸. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۳۴۲.

۱۹. ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۹-۲۲۰ و ۲۳۰ تا ۲۳۱.

و... این روش وجود دارد، مثلاً شارع مقدّس شرایط و ویژگی های نماز واجب را به تفصیل بیان کرده است و نماز مستحب را به آن ملحق می کند، از این رو نماز مستحب در آثار و شرایط همانند نماز واجب است، مگر آنکه دلیلی بر عدم اعتبار برخی از شرایط در نماز مستحب اقامه شود، مانند استقبال یا دلیلی بر اعتبار شرط زایدی در آن دلالت کند، مثل قرائت سوره خاصی در آن روزه نیز به همین صورت است. این روش در غسل نیز جاری است؛ زیرا اصل در غسل، غسل جنابت است و شارع مقدّس احکام و آثار آن را به تفصیل بیان کرده است و غسل های دیگر را در تمام احکام و کیفیت و آثار به آن ملحق کرده است، مگر آنکه دلیل بر عدم اعتبار چیزی در غسل های دیگر یا عدم ترتب اثری بر آنها یا اعتبار شرط زایدی در آنها دلالت کند، همان گونه که شارع مقدّس تنها کیفیت غسل جنابت را بیان کرده است و کیفیت دیگر غسل ها نیز از آن استفاده می شود. بنابراین ادله غسل های دیگر اعم از واجب و مندوب حاکم بر آیه است و آنها را از اطلاق آیه خارج می کند و تمام آثار غسل جنابت بر آنها مترتب می شود تا وقتی که خلاف آن با دلیل ثابت نشده است.

هـ) روایات:

یکم. مرسل ابن ابی عمیر عن رجل عن ابی عبد الله (ع) قال: «کلّ غسل قبله وضوء إلاّ غسل الجنابة»؛^{۲۰} پیش از هر غسلی وضو باید گرفت به جز غسل جنابت.^{۲۱}

اصحاب در اعتبار این حدیث اختلاف کرده اند، از آن جهت که در اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر در میان آنان اختلاف است.

دوم. ما رواه ابن ابی عمیر عن حماد بن عثمان او غیره عن ابی عبد الله (ع) قال: «فی کلّ غسل وضوء إلاّ الجنابة».^{۲۱}

«با هر غسلی باید وضو گرفت، مگر غسل جنابت.»

۲۰. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۸، باب ۳۵ از باب های جنابت حدیث ۱ و ۲.
 ۲۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۸، باب ۳۵ از باب های جنابت حدیث ۱ و ۲.

این حدیث در کتاب المختلف و الذکری به طور مشخص از حماد نقل شده است و بر این اساس مرحوم صاحب جواهر (قده) آن را صحیح به شمار آورده است. ۲۲

مرحوم آیه‌الله خوئی (قده) گزارش این حدیث را از کتاب حماد توسط علامه و شهید (قده) بدون توجه دادن به آن بعید دانسته و این گونه استظهار کرده که ایشان نیز آن را از شیخ (قده) روایت کرده باشند و بر این اساس عدم ذکر عبارت «او غیره» در گزارش آنها یا ناشی از تسامح است و یا به دلیل در اختیار داشتن نسخه‌ای از کتاب التهذیب است که این عبارت در آن نیامده و بنابر این احتمال، روایت دارای دو نسخه می‌شود و نتیجه آن این می‌شود که راوی از امام (ع) نامشخص و روایت غیر معتبر است. ۲۳

گفتنی است که نسبت دادن تسامح به علامه و شهید (قده) بسیار بعید می‌نماید و امر دایر است میان گزارش کردن آنها از اصل حماد یا در اختیار داشتن نسخه دیگری از کتاب التهذیب. بنابراین، استناد روایت به حماد صد در صد معلوم نیست و احتمال ارسال در آن وجود دارد.

بحث دیگری که درباره این حدیث مطرح می‌شود، اتحاد و تغایر آن با حدیث پیشین است. مرحوم صاحب المدارک آن دو را یک حدیث مرسل به شمار آورده است، ۲۴ ولی صاحب جواهر (قده) از کتاب المختلف و التهذیب استظهار کرده که دو روایت باشد؛ چرا که مرحوم شیخ آنها را دو روایت قرار داده است و اختلاف متن آنها را مؤید تغایرشان قرار داده است. ۲۵

مرحوم آیه‌الله خوئی صرف قرار گرفتن ابن ابی عمیر در دو سند را دلیل اتحاد دو روایت نمی‌داند؛ زیرا ابن ابی عمیر در یکی آن را از «مردی» و در

۲۲. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲۳. التنقیح، ج ۲، ص ۵۰۲.

۲۴. مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲۵. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۲.



دیگری از «حماد» یا «غیر او» روایت کرده است و آن دو حدیث با هم تفاوت زیادی دارند. ۲۶

می توان گفت که در این دو روایت شواهدی برای اتحاد وجود دارد و تنها وجود ابن ابی عمیر در دو سند دلیل اتحاد نیست؛ زیرا به احتمال قوی ابن ابی عمیر مردّد بوده که آن را از حماد شنیده یا شخص دیگری. آن گاه آن را به همین صورت برای یعقوب بن یزید نقل کرده است و او آن را یک بار برای صفار نقل کرده است و بار دیگر برای محمد بن احمد. سپس صفار عین سخن ابن ابی عمیر را نقل کرده است و محمد بن احمد از عبارت «از حماد یا غیر او» به «از شخصی» تعبیر کرده است، به دلیل عدم تفاوت در معنای آن دو.

اختلاف در مضمون دو روایت نیز در حدی نیست که نتوان آنها را دو تعبیر متفاوت از یک سخن به شمار آورد؛ زیرا اختلاف آنها تنها در واژه «قبله» و «فی» است و با اندکی مسامحه می توان گفت آنها دو تعبیر از یک سخنند. مرحوم محقق همدانی (قده) نیز آنها را یک روایت به شمار آورده است. ۲۷

به هر حال، در دلالت این دو حدیث اشکال شده که آنها بر وجوب شرطی وضو برای غسل های غیر جنابت دلالت می کنند؛ زیرا ظاهر جمله خبریه همانند امر بر وجوب دلالت دارد، بلکه ظهور آن در وجوب قوی تر از امر است؛ چرا که آن از واقع خبر می دهد و نزدیک ترین مجازها جدا نکردن آنهاست و مقتضای این ظهور پس از حمل اخبار مطلق بر مقید وجوب مسبوق بودن هر غسلی به وضو است و ظاهر آن شرط بودن وضو در صحت غسل است. ۲۸

به این بیان اشکال می شود که احتمال وجوب شرطی در زمان صدور این دو روایت مطرح نبوده است. افزون بر آنکه ظاهر مورد کلام این است که

۲۶. التقیح، ج ۶، ص ۵۰۷.

۲۷. مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۱.

۲۸. مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۹.

امام (ع) در مقام بیان وظیفه فعلی مکلف نسبت به نماز است .

سوم . و منها النبوی المروی عن عوالی اللثالی : «کل الاغسال لابد فیہ من الوضوء إلا الجنابة»^{۲۹}؛ در همه غسل ها باید وضو باشد، مگر غسل جنابت .
چهارم . و منها ما رواه الشیخ (قده) عن محمد بن الحسن الصفار عن یعقوب بن یزید عن سلیمان با الحسن عن علی بن یقظین عن ابی الحسن (ع) قال : «إذا أردت أن تغتسل للجمعة فتوضأ و اغتسل .»^{۳۰}

(وفی الاستبصار) ثم اغتسل؛^{۳۱} «هرگاه تصمیم به غسل جمعه گرفتی، وضو بگیر و غسل کن . (و بنابر گزارش کتاب الاستبصار) سپس غسل کن .»
صاحب جواهر از آن به خیر علی بن یقظین^{۳۲} تعبیر کرده است که به ضعف سند آن اشعار دارد و مرحوم آیه الله خوئی (قده) سلیمان بن الحسن را که در سند آن قرار دارد، مجهول به شمار آورده است .^{۳۳}

ولی در کتاب التهذیب «سلیمان بن الحسین»^{۳۴} آمده است و مرحوم آیه الله خوئی (قده) در کتاب معجم الرجال به این روایت او اشاره می کند و اینکه در الاستبصار سلیمان بن الحسن آمده است و عبارات التهذیب را صحیح می شمارد .^{۳۵}

مورد این روایت غسل جمعه است و صاحب جواهر (قده) تعمیم آن به همه غسل ها را بی نیاز از وضو می دانند و مشهور همه غسل ها به جز جنابت را

۲۹ . عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۲۰۳، حدیث ۱۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۷۷، باب ۲۶ ابواب الجنابه، حدیث ۳ . در آن کتاب این گونه آمده است : «کل غسل لابد فیہ من الوضوء الامع الجنابه» و در کتاب الجواهر بدون «مع» نقل کرده است .

۳۰ . وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹، باب ۳۵، ابواب الجنابه، حدیث ۳ .

۳۱ . الاستبصار، ج ۱، ص ۱۲۷، ۴۳۴ .

۳۲ . جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۲ .

۳۳ . التنقیح، ج ۶، ص ۵۰۲ .

۳۴ . التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۲، ۴۰۱ .

۳۵ . معجم الرجال، ج ۸، ص ۲۴۲، ۵۴۲۳ .

نیازمند وضو می‌داند و کسی میان غسل جمعه با دیگر غسل‌های غیر جنابت قائل به تفصیل نشده است.^{۳۶}

در باره دلالت این روایت اشکال کرده‌اند که موضوع آن از مستحبات است و در مورد مستحبات دلیل مطلق بر مقید حمل نمی‌شود، بلکه دلیل مقید بر افضل بودن آن حمل می‌شود. از این رو، این حدیث که بر لزوم وضو با غسل جمعه دلالت می‌کند، مقید به احادیثی نمی‌گردد که غسل جمعه را بی‌نیاز از وضو می‌داند، بلکه بر این حمل می‌شود که غسل جمعه همراه با وضو فضیلت بیشتری دارد و فرد کامل‌تر است.^{۳۷}

۵. در کتاب فقه الرضا آمده است: «در هر غسلی وضو هست به جز غسل جنابت؛ زیرا غسل جنابت واجب است و او را از واجب دوم بی‌نیاز می‌کند، ولی غسل‌های دیگر او را از وضو بی‌نیاز نمی‌کند؛ برای اینکه غسل سنت است و وضو فریضه و سنت بی‌نیازکننده از فریضه نیست و غسل جنابت و وضو هر دو فریضه‌اند و هرگاه دو فریضه با هم جمع شوند، فریضه بزرگ‌تر از فریضه کوچک‌تر بی‌نیاز می‌کند و هنگامی که غسل غیر جنابت انجام دادی، نخست وضو بگیر و سپس غسل کن و غسل تو را از وضو بی‌نیاز نمی‌کند. پس اگر غسل کردی و وضو را فراموش نمودی، وضو بگیر و نماز را اعاده کن.»^{۳۸}

مرحوم صاحب حدائق (قده) ذکر این عبارت را از صدوقین (قده) دلیل اعتماد آنها به این کتاب دانسته است.^{۳۹}

این تعلیل شامل غسل‌های واجب غیر جنابت از قبیل غسل حیض و نفاس و استحاضه و مس میت نمی‌شود و به هر حال، در اثبات حکم شرعی نمی‌توان بر آن تکیه کرد.

۳۶. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۳.

۳۷. التنقیح، ج ۶، ص ۵۰۲.

۳۸. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۷۶، باب ۲۶، ابواب الجنابه، حدیث ۱.

۳۹. مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۹.

کفایت غسل استحاضه از وضو

مرحوم صاحب جواهر (قده) اخبار دلالت کننده بر وجوب وضو همراه غسل های سه گانه را در استحاضه مؤید نظریه عدم کفایت غسل از وضو به شمار آورده است. ۴۰

درباره این سخن صاحب جواهر (قده) می توان گفت که دقت در اخبار درباره استحاضه ما را به این مطلب می رساند که دستور به وضو در برخی از آنها تنها برای نمازهایی است که میان آنها با غسل زمانی طولانی فاصله می شود و متصل به آن نیستند و در این زمان خواه ناخواه حدث استحاضه سر می زند، ولی در صورت فاصله نشدن میان نماز با غسل، نیازی به وضو نیست و روایاتی که به غسل و جمع نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا دستور می دهد، بدون اشاره به وضو با اینکه در مقام بیان وظیفه بالفعل مستحاضه است بر این مطلب دلالت می کند.

در روایت سماعه آمده است:

«المستحاضة اذا ثقب الدم الكرسف اغتسلت لكل صلاتين وللفجر غسلان لم يجز الدم الكرسف فعليها الغسل لكل يوم مرة والوضو لكل صلاة... ۴۱؟» در زن مستحاضه هنگامی که خون در پنبه فرو رود، برای هر دو نماز و برای نماز صبح هر کدام یک غسل می کند و اگر خون از پنبه نگذرد، در هر روز یک غسل بر عهده اوست و برای هر نماز باید وضو بگیرد....»

سکوت از وضو در صورت فرو رفتن خون در پنبه و اکتفا به غسل تنها برای هر دو نماز و نماز صبح دلیل بر این است که وضو در صورت نگذشتن خون تنها در نمازهایی واجب است که به غسل متصل نیست و بر فرض تسلیم دلالت اخبار استحاضه بر عدم اجزاء، باید در خصوص غسل استحاضه به عدم

۴۰. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۳.

۴۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۷۴، باب ۱، الاستحاضه، حدیث ۶.

اجزاء قائل شد همان گونه که آیه‌الله خوئی غسل استحاضه متوسطه را از آن استثنا کرده است؛ زیرا دلالت نص خاص بر وجوب وضو بر زن برای هر نماز هر چند در روز یک بار غسل کند.^{۴۲}

ادله کفایت غسل از وضو

در مقابل ادله گذشته روایاتی وجود دارد که بر کفایت غسل از وضو به طول مطلق دلالت می‌کند:

یکم. صحیح محمد بن مسلم عن ابوجعفر (ع) قال: «الغسل یجزی عن الوضوء وای وضوء اطهر من الغسل»؛^{۴۳} غسل از وضو کفایت می‌کند و کدامین وضو پاک کننده‌تر از غسل است. *

دوم. صحیح حکم بن حکیم قال: «سألت ابا عبد الله (ع) عن غسل الجنابة - إلى أن قال - قلت: أن الناس يقولون: يتوضأ وضوء الصلاة قبل الغسل، فضحك وقال: وای وضوء اتقى من الغسل وأبلغ»؛^{۴۴} از امام صادق (ع) درباره غسل جنابت سؤال کردم... گفتم: مردم می‌گویند: پیش از غسل وضوی نماز گرفته می‌شود. امام (ع) خندید و فرمود: و کدامین وضو تمیز کننده‌تر و رساتر از غسل است. *

سوم. مرسل حماد بن عثمان عن رجل عن ابي عبد الله (ع): «فی الرجل یغتسل للجمعة أو غیر ذلك أیجزیه من الوضوء؟ فقال عبد الله (ع): وای وضوء اطهر من الغسل»؛^{۴۵} در پاسخ به این پرسش که مردی غسل جمعه یا غسل دیگری انجام می‌دهد آیا او را از وضو بی‌نیاز می‌کند، فرمود: و کدامین وضو پاک کننده‌تر از غسل است. *

۴۲. التنقیح، ج ۶، ص ۵۰۴.

۴۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵، باب ۳۳، ابواب الجنابه، حدیث ۱.

۴۴. همان، ص ۲۴۷، باب ۳۴، الجنابه، حدیث ۴.

۴۵. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵، باب ۳۳، الجنابه حدیث ۴ و ۸ و ۲.

چهارم. مرسله کلینی: «وروی: «أی وضوء أطهر من الغسل؛^{۴۶} کدامین وضوء پاک کننده تر از غسل است.»

پنجم. ان محمد بن عبدالرحمن الهمدانی کتب إلى ابی الحسن الثالث (ع) یسئله عن الوضوء للصلاة فی غسل الجمعة؟ فکتب: لا وضوء للصلاة فی غسل الجمعة ولا غیره؛^{۴۷} محمد بن عبدالرحمان همدانی به وسیله نامه از امام هادی (ع) درباره وضوی نماز در غسل جمعه سؤال کرد. امام در پاسخ وی نوشت: وضوی نماز در غسل جمعه و در غسل های دیگر نیست.

ششم. «موقفه عمار الساباطی قال: سئل ابو عبد الله (ع) عن الرجل اذا اغتسل من جنابته أو یوم الجمعة أو یوم عید هل علیه الوضوء قبل ذلك أو بعده؟ فقال: لا، لیس علیه قبل ولا بعد، قد أجزاء الغسل المرأة مثل ذلك اذا اغتسلت من حیض أو غیر ذلك فلیس علیها الوضوء لاقبل ولا بعد قد اجزاها الغسل؛^{۴۸} عمار ساباطی می گوید: از امام صادق (ع) سؤال شد: وقتی که مردی غسل جنابت یا غسل جمعه یا عید انجام می دهد، آیا قبل یا بعد از آن وضو بر عهده اوست؟ امام (ع) فرمود: نه! قبل و بعد از آن وضو بر عهده اش نیست. غسل برای وی کافی است. زن نیز چنین است. هنگامی که غسل حیض یا غسل دیگری انجام می دهد، قبل و بعد از آن وضو بر عهده او نیست، غسل برایش کافی است.»

هفتم. موثق سلیمان بن خالد عن ابو جعفر (ع) قال: «الوضوء بعد الغسل بدعة؛^{۴۹} وضوی پس از غسل بدعت است.»

این حدیث با سندهای مستفیض روایت شده است.^{۵۰}

۴۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵، باب ۳۳، الجنابه حدیث ۴ و ۸ و ۲.
 ۴۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵، باب ۳۳، الجنابه حدیث ۴ و ۸ و ۲.
 ۴۸. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۵؛ باب ۳۳ الجنابه، حدیث ۳ و ۹.
 ۴۹. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۵؛ باب ۳۳ الجنابه، حدیث ۳ و ۹.
 ۵۰. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۴. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶.
 باب ۳۳ الجنابه حدیث ۶ و ۱۰.

دیگر آنکه بسیاری از قدمای اصحاب مانند شیخ طوسی و محقق و شهید و علامه اخبار اجزاء را تنها بر غسل جنابت یا بر موردی حمل کرده‌اند که غسل جنابت همراه آن باشد و یا اخبار عدم اجزاء را در مقام تعارض بر آنها ترجیح داده‌اند که همه اینها بر عدم اعراض اصحاب از اخبار اجزاء دلالت می‌کند. **L**

هشتم. مرسل احمد بن یحیی: «ان الوضوء قبل الغسل وبعده بدعة؛^{۵۱} وضوی قبل از غسل و بعد از آن بدعت است. «احتمال دارد ظرف «قبل الغسل» خبر وضو باشد و عبارت «بعده بدعة»، جمله مستقلی باشد، چنان‌که مرحوم شیخ بهایی^{۵۲} (قده) و صاحب وسائل^{۵۳} فرموده‌اند. بنابراین، معنای روایت این گونه می‌شود: «وضو پیش از غسل است و پس از آن بدعت است.»

پاسخ‌های داده شده به اخبار اجزاء

به اخبار اجزاء پاسخ‌هایی داده شده که عبارتند از:

یکم. این احادیث هرچه زیاد، صحیح و صریح‌تر باشد و با اینکه در برابر دیدگان اصحاب است، از آن اعراض کرده‌اند و برخلاف آن فتوا داده‌اند، گمان قوی‌تری به اعتماد نمودن و تکیه نکردن به آنها پدید می‌آید. چگونه به آنها اعتماد کرده‌اند، با اینکه مرحوم صدوق (قده) مخالفت با آنها را به مذهب امامیه نسبت داده است. بنابراین، در صورت وجود روایات تأویل‌ناپذیر باید آنها را کنار گذاشت و روایات تأویل‌پذیر را باید تأویل نمود.^{۵۴}

۵۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۵، باب ۳۳، الجنابه، حدیث ۵.

۵۲. ملاذ الاخیار، ج ۱، ص ۵۰۸.

۵۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۹.

۵۴. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۴.

درباره این بیان باید گفت که اعراض اصحاب از اخبار اجزاء معلوم نیست؛ زیرا اولاً پاره‌ای از عبارات‌های فقها را می‌توان بر مجرد مشروعیت حمل کرد. ۵۵

دیگر آنکه بسیاری از قدمای اصحاب مانند شیخ طوسی و محقق و شهید و علامه اخبار اجزاء را تنها بر غسل جنابت یا بر موردی حمل کرده‌اند که غسل جنابت همراه آن باشد و یا اخبار عدم اجزاء را در مقام تعارض بر آنها ترجیح داده‌اند که همه اینها بر عدم اعراض اصحاب از اخبار اجزاء دلالت می‌کند. دوم. مرحوم شهید اول (فده) اخبار عدم اجزاء را به دلیل شهرت - نزدیک به اجماع - بر اخبار اجزاء ترجیح داده است. ۵۶

به این بیان اشکال می‌شود که مراجعه به مرجحات تنها پس از عدم امکان جمع عرفی است. ۵۷

سوم. کتاب الریاض از صحیح محمد بن مسلم و مرسل حماد بن عثمان این گونه پاسخ داده است که آنها عمومیت ندارند؛ زیرا لفظی که بر عموم دلالت کند، در آنها نیست و به فرد متبادر و غالب (غسل جنابت) انصراف دارند، بلکه صدر یکی از آن دو (مرسل حماد) در غسل جنابت ظهور دارد و پاسخ امام (ع) مربوط به آن است و در آن اشعاری به عموم نیست؛ چون احتمال خصوصیت وجود دارد.

این کتاب درباره روایات دلالت کننده بر بدعت بودن وضوی پس از غسل می‌گوید که آنها به غسل جنابت انصراف دارند؛ به دلیل اتفاق فقها بر مشروعیت و استحباب وضو و روایت دلالت کننده بر اجزاء و در غسل جمعه و عید را کنار می‌گذارد، افزون بر آنکه آنها را با روایاتی که در خصوص غسل جمعه به وضو دستور می‌دهد، معارض می‌داند. ۵۸

۵۵. فقه الصادق، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۵۶. ذکری الشیعه، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵۷. فقه الصادق، ج ۲، ص ۲۰۸.

۵۸. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰.

درباره بیان وی می توان گفت که اطلاق صحیح محمد بن مسلم و حکم بن حکیم و مرسل حماد انکارپذیر نیست و ادعای انصراف آنها به غسل جنابت بی وجه است؛ زیرا انصراف از ارتباط قوی و محکم لفظ و معنا ناشی می گردد، ولی استعمال غسل در تمام غسل ها یکسان است و در هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد. دیگر آنکه اجماع بر مشروعیت وضو با غسل های غیر جنابت با اخبار دلالت کننده بر بدعت بودن وضوی پس از غسل منافات ندارد؛ به دلیل احتمال مشروعیت وضو قبل از غسل و نه پس از آن.

سه دیگر آنکه نوبت به کنار گذاشتن اخبار اجزاء در مقام تعارض با اخبار عدم اجزاء نمی رسد؛ زیرا چنان که خواهد آمد، امکان جمع میان آنها وجود دارد و میان اخبار دلالت کننده بر کفایت غسل جمعه بعد از وضو و اخبار دستور دهنده به وضو در مورد آن هیچ تعارضی وجود ندارد؛ زیرا میان مطلق و مقید در مستحبات تعارض وجود ندارد، بلکه بر بیان مراتب استحباب حمل می شوند.

چهارم. غسل در اخبار اجزاء را بر غسل جنابت باید حمل کرد، چنان که از برخی اخبار که میان ما و اهل سنت درباره آن بحث بوده چنین به دست می آید. اهل سنت در غسل جنابت وضو را به علی (ع) نسبت داده اند که امام (ع) در این باره فرمود: «انهم کذبوا علی علی (ع) ما وجدوا ذلک فی کتابه؛^{۵۹} آنها به علی (ع) دروغ بسته اند. آن را در کتاب وی نیافته اند.»

مرحوم محقق (قده) میان اخبار این گونه جمع کرده است و می فرماید: «خبرها در بردارنده تفصیل است و عمل کردن به تفصیل دهنده اولویت دارد.»^{۶۰} امام خمینی (قده) نیز پس از تقسیم اخبار به چهار گروه این جمع را بیان کرده است که آن چهار گروه عبارتند از: یکم. اخبار کفایت غسل از وضو به طور مطلق؛ دوم. اخبار دلالت کننده بر بدعت بودن وضوی با غسل؛

۵۹. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۴.

۶۰. المعبر، ج ۱، ص ۱۹۶.

سوم. اخبار رسیده در خصوص غسل جنابت؛ چهارم. اخبار تفصیل دهنده میان غسل جنابت و غسل های دیگر. آن گاه روایات دلالت کننده بر کفایت مطلق غسل از وضو را به قرینه سایر اقسام روایات بر غسل جنابت حمل می کند و با توجه به متداول بودن غسل جنابت پیش از غسل های دیگر این جمع را قریب شمرده است؛ چرا که تنها برخی از مکلفان در پاره ای از اوقات غسل حیض و نفاس می کنند و هم چنین تنها برخی از مکلفان غسل استحاضه می کنند و غسل جمعه و غسل های دیگر نیز تنها در بعضی وقت ها برای بخشی از مکلفان است. از این رو، این جمع حمل مطلق بر فرد نادر نیست.

افزون بر آن، وضوی پیش از غسل جنابت در میان مردم مورد بحث بوده است، به طوری که در این باره به علی (ع) دروغ بستند که به آن دستور می داده است و در صحیح حکم بن حکیم آمده است: «مردم می گویند: پیش از غسل وضوی نماز گرفته می شود...» این مطلب سبب نزدیک شدن این جمع می شود و اینکه روایات بدعت بودن وضو قبل و بعد از غسل و کفایت غسل از وضو پاک کننده تر بودن غسل از وضو به آن دروغ و اختلاف معهود نظر دارد. افزون بر آنکه یکی از دو قول شافعی نیز بر وجوب وضو پیش از غسل جنابت یا پس از آن دلالت می کند.

آن گاه مرحوم محقق (قده) به دسته ای از روایات درباره غسل های دیگر اشاره می کند که یا از نظر سند ضعیف هستند، هر چند از نظر دلالت کاملند و یا از نظر سند معتبر و از نظر دلالت ضعیف هستند و مکاتبه محمد بن عبدالرحمان همدانی و مرسل حماد بن عثمان را به ضعف سند رد می کند.^{۶۱}

درباره این جمع می توان گفت که:

این بیان با تعلیلی که ظاهر آن بر پاک کننده تر بودن مطلق غسل و نه خصوص غسل جنابت از وضو دلالت می کند، ناسازگار است و در صورت

اراده خصوص غسل جنابت حتماً آن را بیان می‌کرد^{۶۲} و به بیان دیگر تعلیل سبب ابای اخبار اجزاء از تقیید می‌گردد.^{۶۳}

دو دیگر آنکه غسل جنابت در میان مکلفان متداول است، ولی احتیاج به غسل های دیگر نیز در مجموع کمتر از نیاز به غسل جنابت نیست؛ زیرا زنان به غسل حیض در هر ماه و برخی از آنان به غسل استحاضه چند بار در یک روز نیاز دارند و شارع نیز به غسل جمعه چنان تأکید کرده که برخی قائل به وجوب آن شده‌اند، هم چنین است بسیاری از غسل های مستحبی که مسلمانان به آنها تقید دارند.

سه دیگر آنکه اختصاص مورد سؤال در صحیح حکم بن حکیم به غسل جنابت سبب مقید شدن جواب به آن نمی‌شود.

چهار دیگر آنکه کیفیت غسل جنابت با غسل های دیگر در میان عامه تفاوتی ندارد، بلکه اختلاف میان عامه و خاصه در مشروعیت وضو پیش از غسل جنابت است و این مطلب قرینه بر اراده خصوص غسل جنابت از اخبار کفایت غسل از وضو به طور مطلق نمی‌شود.

پنج دیگر آنکه خیر دلالت کننده بر اینکه وضوی پیش از غسل و پس از آن بدعت است، از نظر سند ثابت نیست، افزون بر احتمال معنای دیگری که درباره آن گذشت، بلکه حدیث «وضوی پس از غسل بدعت است» به نظر ثابت به شمار می‌رود و دلیلی بر اختصاص آن به غسل جنابت وجود ندارد، علاوه بر اینکه بنابر عدم مشروعیت وضو پس از آن، وضوی پیش از آن نیز نامشروع است و مورد نزاع بودن آن در میان عامه و خاصه با عدم مشروعیت وضو پس از تمام غسل ها منافات ندارد که آن اختلاف دیگری میان عامه و خاصه باشد. از این رو، این مطلب قرینه بر حمل این حدیث بر خصوص غسل جنابت نمی‌شود.

۶۲. التنقیح، ج ۶، ص ۵۰۳.

۶۳. مستمسک العروة، ج ۳، ص ۳۴۴.

شش دیگر آنکه از عبارت مرحوم شیخ طوسی (قده) در کتاب الخلاف روشن شد که قول شافعی به وجوب وضو پیش از غسل جنابت یا پس از آن مورد اعتماد پیروانش نیست.

هفت دیگر آنکه جمع میان روایات منحصر به حمل مطلق بر مقید نیست، بلکه می‌توان با حمل اخبار دستور دهنده به وضو بر بیان مجرد مشروعیت و استحباب و اخبار کفایت غسل از وضو بر اجزاء میان آنها جمع کرد و این جمع در بحث ما اظهر و اولی است، چنان‌که توضیح آن خواهد آمد.

پنجم. مرحوم شیخ طوسی (قده) روایات را این گونه با هم جمع کرده است که هرگاه غسل‌های دیگر یا یکی از آنها با غسل جنابت همراه باشد، وضو ساقط است و هرگاه آنها جدای از غسل جنابت باشد، پیش از آنها وضو واجب است... ۶۴

به این جمع کردن چنین اشکال می‌شود که آن جمع تبرعی است و شاهدی بر آن وجود ندارد و دیگر آنکه موثقه عمار ساباطی این جمع را نمی‌پذیرد، به قرینه این عبارت: «هنگامی که غسل جنابت یا جمعه انجام دهد...»^{۶۵} زیرا ظاهر آن کفایت هریک از آنها به طور مستقل از وضو است.

ششم. امام خمینی (قده) در پاسخ به روایات اجزاء مطلبی دارد که خلاصه آن چنین است: ایشان موثقه عمار ساباطی را از نظر دلالت ناظر به مشروط نبودن هرگونه غسلی - اعم از غسل جنابت یا جمعه یا غسل‌های دیگر - به وضوی قبل یا بعد از آن می‌داند، نه بیان حکم نماز و کفایت غسل از وضوی نماز و ذکر واژه «قبل» و «بعد» را شاهد بر آن حساب آورده است؛ چرا که این دو واژه به ارتباط وضو و غسل اشعار دارد و وضوی نماز با غسل ارتباط ندارد و اگر موثقه به کفایت غسل از نماز نظر داشت، باید راوی می‌پرسید: «آیا غسل از وضوی نماز کفایت می‌کند؟»

۶۴. التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۶۵. فقه الصادق، ج ۲، ص ۲۰۹.

آن گاه روایت دلالت کننده بر بدعت بودن وضو قبل یا بعد از غسل را به معنای بدعت بودن وضو قبل یا بعد از غسل گرفته است و روایات بیان کننده کیفیت غسل را شاهد این معنا به شمار آورده است و صدور آن احادیث را برای برطرف کردن شبهه دخالت وضو در ماهیت غسل دانسته است و با توجه به آن مرسله ابن ابی عمیر (هر غسلی پیش از آن وضو نیست مگر غسل جنابت) و مرسله یا صحیحه دیگرش را نیز ناظر به همین معنا به حساب آورده است. بر این اساس، صحیحه محمد بن مسلم (غسل از وضو بی نیاز می کند و کدامین وضو پاک کننده تر از غسل است) را نیز ناظر به بیان کفایت غسل از دخالت وضو در ماهیت آن دانسته است. ۶۶

صحیحه حکم بن حکیم که در عدم شرطیت وضو برای غسل ظهور دارد و در این هنگام دلیلی بر اجزای غسل جنابت از وضو برای نماز وجود نخواهد داشت؛ مگر این گفتار خداوند متعال: «وان کتتم جنبا فاطهروا؛ و اگر جنب بودید، تحصیل طهارت کنید» با اشکالی که در دلالت آن وجود دارد، ولی این حکم واضح است و نیازی به اقامه کردن دلیل ندارد. ۶۷

حضرت امام خمینی (قده) این بیان را از مرحوم صاحب جواهر (قده) گرفته است و آن را بسط داده است. ایشان در مقام جواب از اخبار اجزاء می فرماید:

یا به اینکه نفی دخالت در وضو در برطرف شدن حدث اکبر به وسیله غسل اراده شود و انجام دادن آن بر این وجه بدعت است، چنان که خواهی دانست که بر اساس نظر ما وضو در برطرف شدن حدث اکبر به وسیله غسل دخالتی ندارد. ۶۸

۶۶. کتاب الطهاره، امام خمینی، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۴.

۶۷. کتاب الطهاره، امام خمینی، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۴.

۶۸. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۵.

و شاید او نیز از علامه (قده) گرفته است؛ ایشان می فرماید: «معنای اجزاء غسل ساقط کردن تعبد به آن با انجام آن است، ولی اینکه در نماز از وضو کفایت می کند، نه!»^{۶۹}

درباره سخن ایشان می توان گفت که همه عامه به جز داوود ظاهری به استحباب وضو قبل یا بعد از غسل قائلند، بدون دخالت داشتن وضو در صحت و تحقق غسل و مشروط بودنش به آن و درباره مباحث شدن نماز به وسیله غسل سه نظریه در میان آنها وجود دارد که نظر سوم تفصیل میان صورت نیت وضو همراه غسل و عدم نیت آن است. بنابراین، نزد عامه وضو در صحت و تحقق غسل دخالتی ندارد و بنابراین، دستور به وضو پیش از غسل احتمالاتی دارد:

نخست اینکه وضو شرط کمال و فضیلت غسل باشد، بدون آنکه در استباحه غسل برای نماز تأثیری داشته باشد. پس غسل مبیح نماز است، حتی بدون وضو، چنان که این یکی از اقوال عامه در مسأله است.

دو دیگر اینکه وضوی قبل از غسل، مستحب مستقلی باشد، بدون هیچ ارتباطی با غسل و بدون تأثیر وضو در استباحه غسل برای نماز و بدون تأثیر وضو در کمال و فضیلت غسل، بلکه تنها ظرف استحباب وضو قبل یا بعد از غسل است.

سه دیگر اینکه وضو برای مباح شدن نماز است.

با وجود این احتمالات نفی وضو قبل از غسل در روایات چنان که می تواند برای نفی توهّم دخالت در وضو در کمال و فضیلت غسل باشد، می تواند برای نفی توهّم کافی نبودن غسل از وضو باشد و احتمال دوم اگر قوی تر و ظاهرتر نباشد، حداقل مساوی با احتمال اول است؛ زیرا هدف اصلی و مهم از غسل تحصیل استباحه برای نماز است و به همین دلیل، غالباً نزدیک وقت نماز انجام

می‌شود. بنابراین، سوال از استباحه غسل برای نماز، بیگانه از سوال از کیفیت غسل نیست و بر این اساس، در کلام ایشان اشکالاتی به نظر می‌رسد:

یکم. گذشت که احتمال دخالت وضو در ماهیت غسل و تحقق آن در آن زمان میان مردم مطرح نبوده است تا حمل سوال و جواب در روایات بر آن صحیح باشد. بنابراین، سخن ایشان که فرمودند: «روایت در صدد بیان حکم نماز نیست، بلکه در صدد بیان حکم غسل است و اینکه آیا غسل بدون وضو کامل است و غسل جنابت برای برطرف کردن حدث کافی است... یا نیازمند ضمیمه کردن وضو قبل یا بعد از آن است؟»، وجهی ندارد. آنچه در آن میان مطرح بوده است، دخالت وضو در کمال و فضیلت غسل است.

دوم. وجه ارتباط وضو و غسل و سوال از لزوم وضو قبل از غسل و پس از آن در موثق عمار این است که هدف اصلی در غسل‌ها استباحه آنها برای نماز است و بر این اساس، سوال از لزوم وضو قبل یا بعد از آن صحیح است و بر این مطلب ظاهر پرسش عمار توهم لزوم وضو قبل یا بعد از غسل پس از فرض کامل شدن آن است.

افزون بر آن گذشت که غیر از داوود و شافعی در یکی از اقوالش کسی به دخالت وضو در ماهیت غسل معتقد نشده و قول شافعی متروک است و کسی از نظر او پیروی نکرده و داوود از سال ۲۰۲ تا ۲۷۰ می‌زیسته و در زمان امام صادق (ع) نبوده است.

سوم. امام (ع) در موثق عمار می‌فرماید: «لیس علیه قبل ولا بعد قد اجزأه الغسل والمرأة مثل ذلك اذا اغتسلت من حیض أو غیر ذلك فلیس علیها الوضوء لاقبل ولا بعد قد اجزأها الغسل؛ نه قبل از غسل و نه پس از آن وضو بر عهده‌اش نیست، غسل برای وی کافی است و زن هنگامی که غسل حیض یا غسل دیگری می‌کند مثل آن است، پس نه قبل و نه بعد از وضو بر عهده‌اش نیست، غسل برایش کافی است.»

این سخن ظهور قوی در اجزاء برای نماز دارد؛ زیرا مفروض در کلام

امام (ع) کامل بودن غسل بدون وضو است. آن گاه حکم به اجزای آن کرده است. بنابراین چاره‌ای نیست جز آنکه آن را بر اجزاء غسل از وضو حمل کنیم.

چهارم. سخن ایشان که فرمودند: «و بنابراین روایات دلالت کننده بر اینکه وضوی قبل از غسل یا پس از آن بدعت است» را می‌توان بر این معنا حمل کرد.

در باره آن می‌توان گفت که این مضمون چنان که گذشت از نظر سند ثابت نیست، افزون بر آنکه در دلالت آن احتمال دیگری وجود دارد، بلکه از نظر سند و دلالت ثابت است که: «وضوی پس از غسل بدعت است» و آن با حمل بر معنای بیان شده سازگار نیست، بلکه آن را این گونه می‌توان توجیه کرد که غسل سبب حصول طهارت است و وضوی پس از آن نامشروع است، ولی انجام وضو پیش از غسل در غیر غسل جنابت اشکال ندارد؛ زیرا سبب تحصیل مرتبه ضعیفی از طهارت می‌شود و سپس با غسل طهارت کامل حاصل می‌شود.

پنجم. ظهور صحیحه یعقوب بن یقظین در نفی دخالت وضو در غسل قرینه تصرف در ظهور دیگر اخبار نمی‌شود؛ زیرا احتمال کفایت غسل از وضو نیز مطرح بوده است، بلکه هدف اصلی از غسل آن است، افزون بر آنکه صحیحه یعقوب بن یقظین نیز احتمال هر دو معنا را دارد و حمل آن بر معنای ایشان متعین نیست.

ششم. سخن امام (ع) در صحیح زراره: «آب را به هر جای بدن رساندی، حتماً آن را پاک کرده‌ای.» همانا مقدمه برای نفی لزوم دست کشیدن در غسل بیان شده است. از این رو، پس از آن فرموده است: «و اگر مرد جنبی به یک باره در آب فرو رود، برایش کفایت می‌کند.» بنابراین، ارتباطی به دخالت در وضو در ماهیت غسل ندارد.

هفتم. اینکه فرمود: «گفتار امام (ع) کدامین وضو پاک کننده تر از غسل و رساتر از آن است» یعنی وضو در پاک کنندگی دخالت ندارد و غسل در تحقق طهارت و رفع حدث رساتر از وضو است.

این سخن اعتراف به ظهور کلام امام (ع) در تحقق طهارت با تمام مراتبش به وسیله غسل به تنهایی است.

خلاصه آنکه روایات ظهوری در معنای مورد ادعای ایشان ندارد و بر فرض تسلیم ظهور تعدادی از آنها سبب تصرف ظهور احادیث دیگر در کفایت غسل از وضو برای نماز نمی شود؛ زیرا این احتمال در آن زمان مطرح بوده و غرض اصلی از غسل استباحه برای نماز بوده است؛ زیرا غسل غالباً قبل از نماز انجام می گرفته است. بنابراین، سؤال از کفایت غسل از وضو برای نماز بجا و صحیح است. بنا بر تحقیق در جمع میان اخبار دسته اول را بر مجرد مشروعیت وضو و استحباب آن با تمام غسل ها به جز غسل جنابت و جواز اکتفا به غسل برای نماز به طور مطلق باید حمل کرد؛ زیرا دسته دوم صریح در اجزاء است و دسته اول ظاهر در وجوب و مقتضای جمع میان نص و ظاهر حمل ظاهر بر نص است. مرحوم حکیم (قده) در پاسخ به دو روایت ابن ابی عمیر می فرماید:

ولی دو حدیث نخست - دو روایت ابن ابی عمیر - ... ظهور قابل اعتنایی در وجوب ندارد. بنابراین، حمل آن بر مجرد مشروعیت در مقابل غسل جنابت بعید نیست و وضعیت حدیث سوم (خبر علی بن یقظین) در این باره روشن تر است و مورد آن مستحباتی است که امر به مقید در آنها بر استحباب حمل می شود. افزون بر آن حمل بر استحباب مقتضای جمع میان آن و اخبار دلالت کننده بر نفي وجوب است. ۷۰

مرحوم آیه الله خوئی می فرماید:

افزون بر آن، اگر ما دسته اول را از نظر سند و دلالت کامل بدانیم، دو دسته روایت تعارض خواهند نمود و جمع دلالتی اولویت دارد و آن حمل دسته دوم بر عدم وجوب وضو با غسل و حمل دسته اول بر مشروعیت آن با غسل است، هر چند واجب نیست. ۷۱

۷۰. مستمسک العروه، ج ۳، ص ۳۴۴.

۷۱. التفتیح، ج ۶، ص ۵۰۴.

اگر اشکال شود که اخبار اجزاء مطلق است و اخبار لزوم وضو میان غسل جنابت و غسل دیگر تفصیل داده و مقتضای قاعده حمل مطلق بر مقید است، در پاسخ می‌گوییم که حمل مطلق بر مقید قاعده‌ای کلی در همه موارد نیست، بلکه تابع اقوی بودن ظهور است و چه بسا ظهور مطلق در اطلاق به حدی است که موجب تصرف در ظهور مقید می‌شود، برخلاف عکس و بحث ما از این قبیل است؛ زیرا ظهور اخبار اجزاء در اطلاق قوی‌تر از ظهور اخبار لزوم وضو در وجوب است، بلکه تعلیل در صحیح محمدبن مسلم آن را تقییدناپذیر می‌کند، ولی ظهور اخبار عدم کفایت در این حد نیست. بنابراین، مقتضای جمع عرفی حمل اخبار دسته اول بر مجرد مشروعیت و استحباب است و این مطلب با دستور به اعاده نماز در وضو منافات ندارد؛ زیرا می‌توان آن را بر تأکید استحباب حمل کرد و نظیر آن در روایات بسیار است. افزون بر آنکه استناد کتاب فقه الرضا به امام (ع) ثابت نیست، بلکه برخی عدم ظهور اخبار عدم کفایت را در لزوم ادعا کرده‌اند. صاحب مدارک الاحکام در جواب از مرسله ابن ابی عمیر می‌فرماید:

و متن آن صریح در وجوب نیست، چنان‌که مصنف در مسأله وضوی

میت به آن تصریح کرده است؛ زیرا می‌فرماید: گفته نشود که روایت

ابن ابی عمیر از حماد یا غیر آن... بر وجوب دلالت می‌کند.

زیرا ما می‌گوییم: «از اینکه غسل در وضو باشد وجوب آن لازم نمی‌آید،

بلکه جایز است وضو در غسل جنابت جایز نباشد و در غیر آن جایز باشد و از

جواز وجوب لازم نمی‌آید.» ۷۲

ممکن است این اشکال مطرح شود که اخبار دلالت‌کننده بر اینکه وضوی

بعد از غسل و پیش از آن بدعت است، صریح در نفی مشروعیت است.

بنابراین، جمع اخبار با حمل اخبار دستور دهنده به وضو بر مجرد مشروعیت

ناممکن است.

پیش تر عدم ثبوت چنین اخباری گذشت، بلکه آنچه ثابت است اخبار دلالت کننده بر این است که وضوی پس از غسل بدعت است. بر این اساس، مقتضای جمع مشروعیت وضو پیش از غسل است، نه پس از آن و به بیان دیگر، در این بحث سه دسته اخبار وجود دارد:

یکم. اخبار کفایت غسل از وضو به طور مطلق؛

دوم. اخبار بدعت بودن وضو پس از غسل؛

سوم. اخبار لزوم وضو در همه غسل‌ها به جز غسل جنابت.

مقتضای جمع میان آنها قول به کفایت غسل از وضو به طور مطلق با مشروعیت وضو قبل از همه غسل‌ها غیر از غسل جنابت نه بعد از آنهاست. مرحوم آیه‌الله خوئی (قده) می‌فرماید: «برخی از اخبار کفایت غسل جنابت از وضو دلالت می‌کند که وضو پس از غسل جنابت بدعت و حرام است و با توجه به آن استثنای غسل جنابت قرینه بر این مطلب است که مقصود از صدر آنها این است که وضو در غسل‌های دیگر غیر از غسل جنابت مشروع است. از این رو، دلالت بر این ندارند که غسل‌های دیگر از وضو کفایت نمی‌کنند.^{۷۳}

درباره بیان ایشان می‌توان گفت که اخبار بدعت بودن وضو پس از غسل مطلق است و شامل همه غسل‌ها می‌شود و به غسل جنابت اختصاص ندارد و معظم‌له در بخش دیگری از عبارتشان به این مطلب اعتراف نموده‌اند و می‌فرمایند: «... به دلیل ورود بدعت وضو پس از غسل...» و این ادعا که مقصود از غسل در آن روایات غسل جنابت است و نه مطلق غسل‌ها، با این مطلب رد می‌شود که نه پیش از غسل جنابت وضو جایز است و نه پس از آن.^{۷۴} دیگر آنکه دلالت دلیل بر بدعت بودن وضو پس از غسل جنابت منافات با لزوم وضو در غسل‌های دیگر ندارد تا قرینه بر اراده مجرد مشروعیت از اخبار دیگر باشد.

۷۳. التفتیح، ج ۶، ص ۵۰۳-۵۰۲.

۷۴. همان، ج ۶، ص ۵۰۸.



همه غسل‌های واجب و مستحب مکلف را از وضو بی‌نیاز می‌کنند، بلکه می‌توان گفت در همه موارد وضو می‌توان به جای وضو غسل کرد و بنابراین، برای اثبات مشروعیت غسل نیازی به دلیل خاص وجود ندارد و بنابر استحباب نفسی وضو غسل نیز مستحب نفسی است.

شواهد کفایت غسل از وضو

برای کفایت غسل از وضو به طور مطلق شواهدی بیان شده است که تعدادی از آنها عبارت است از:

یکم. اطلاق اخبار دستور دهنده به غسل استحاضه و حیض و نفاس بدون تعرض به وضو با اینکه در مقام بیان هستند و نیاز به بیان آن است و امر به نماز پس از غسل در پاره‌ای از آنها که اگر وضو واجب بود، دستور به آن نیز واجب بود؛

دوم. اشعار اخبار تداخل و روایاتی که بر یک‌سان بودن غسل حیض و جنابت دلالت می‌کند و کفایت یک غسل از هر دوی^{۷۵} آنها؛

سوم. اخبار تیمم در صورت فقدان آب از آنجا که اشاره‌ای به تعدد تیمم در آنها نشده است؛

چهارم. اخبار دلالت کننده بر باطل شدن غسل‌های مستحب برای افعال با صدور حدث مثل غسل احرام و دخول مکه و زیارت؛ زیرا اگر برطرف کننده حدث نبود، باطل نمی‌شد.^{۷۶}

بنابراین، عدم تعرض به وضو در بسیاری از اخبار با اینکه در مقام بیان

۷۵. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۴۴ - مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

۷۶. مستمسک العروه، ج ۳، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.

وظیفه بالفعل مکلفند، با توجه به اینکه هدف اصلی و مهم از غسل برگزاری نماز است، بر کفایت غسل از وضو دلالت می‌کند و جایی برای این سخن باقی نمی‌ماند: «ظاهر از سیاق اخبار (اخبار حیض و نفاس و استحاضه) نیاز به شناخت برطرف کننده حدث‌های سه‌گانه و بیان آنهاست، نه بیان برطرف کننده حدث اصغر، زیرا برطرف کردن آن برای زنان از خارج معلوم و معروف بوده است و بر فرض تسلیم پس از ثبوت وجوب وضو اعتباری به آن نیست و تنها مثل عام تخصیص خورده و مطلق مقید شده و ظاهر تأویل شده است. ۷۷»

به این بیان اشکال می‌شود که این اخبار در مقام بیان وظیفه بالفعل مکلفند، نه آنکه تنها به بیان برطرف کننده بودن حدث‌های سه‌گانه پردازد و وجوب وضو همراه با غسل در آن زمان‌ها معروف نبوده است تا نیاز به بیان نداشته باشد.

عدم کفایت غسل استحاضه متوسطه از وضو

مرحوم آیه‌الله خوئی (قده) قائل به لزوم وضو با غسل استحاضه متوسطه به دلیل دلالت نص خاص شده است. ۷۸

ولی شاید درباره نظر ایشان شاید بتوان گفت که وجوب غسل برای نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا در استحاضه کثیره و عدم تعرض به وضو در آن و اکتفا به یک غسل در هر روز در استحاضه متوسطه و دستور به وضو در آن و اکتفا به یک غسل در هر روز در استحاضه متوسطه و دستور به وضو برای هر نماز بیانگر این مطلب است که شارع مقدس برای استحاضه متوسطه نسبت به کثیره تخفیف داده و برای او آسان‌تر گرفته است. پس چگونه می‌توان پذیرفت که برای متوسطه پس از غسل وضو واجب است و برای کثیره واجب نیست. بنابراین، وجوب وضو در متوسطه به دلیل فاصله شدن میان غسل و برگزاری نماز و خروج خون به طور عادی است.

۷۷. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۴۰.

۷۸. التتقیح، ج ۶، ص ۵۰۴.



استحباب غسل برای مجرد تحصیل طهارت

سخن امام (ع) در صحیح محمد بن مسلم: «وای وضوء اطهر من الغسل؟» و کدامین وضوء بیش از غسل تحصیل طهارت می نماید؟ و سخن امام (ع) در صحیح حکم بن حکیم: «وای وضوء أنقى من الغسل وابلغ؟» و کدامین وضوء پاک کننده تر از غسل و رساتر از آن است؟» بر جواز غسل در تمامی مواردی که وضوء در آن معتبر است، دلالت می کنند و غسل برای همه غایت هایی که در آنها وضوء معتبر است، مشروع است و بنابراین، برای مجرد بودن بر طهارت غسل جایز است و بنابر نظریه استحباب نفسی وضوء باید به استحباب نفسی غسل نیز قائل شویم.

به این بیان اشکال شده که اراده کردن ماهیت غسل از این گفتار امام (ع): «وای وضوء اطهر من الغسل؟» صحیح نیست؛ زیرا مقتضای اینکه ماهیت غسل اطهر از وضوء باشد، این است که این ماهیت در حد ذات خود، بدون هیچ یک از غایت های آن فرد افضل و واجب مخیر برای مقدمه نماز و نظیر آن است و هیچ کس به این مطلب معتقد نشده است. از این رو، یا باید همه غسل های متداول ثابت شده در شرع به طور مطلق از آن مقصود باشد، چنان که مستدل پنداشته و یا خصوص غسل جنابت، و احتمال اول هیچ اولویتی ندارد، بلکه احتمال دوم افزون بر آنکه قدر متیقن است که در مثل این فرض اقتضای بر آن واجب است، اولویت دارد؛ زیرا غسل جنابت شایع ترین و روشن ترین افراد غسل است، با اینکه مورد صحیحه دوم است.^{۷۹}

به این بیان اشکال می شود که فتوا ندادن اصحاب به مضمون آنها تنها به دلیل ترجیح اخبار عدم کفایت غسل از وضوء است و دلیل بر اعراض اصحاب و وجود ضعفی در سند یا دلالت آنها نیست و اخذ قدر متیقن بی وجه است، بلکه

اطلاق آنها به حال خود باقی است.

ممکن است به این استدلال اشکال شود که در چنین حکمی نمی توان به این دو روایت استناد کرد؛ زیرا این حکمی است که ابتلای به آن در میان مسلمانان بسیار است و اگر به جای وضو در همه موارد غسل جایز بود، باید پیشوایان معصوم (ع) بارها می فرمودند و در این صورت در جامعه اسلامی آشکار و واضح می شد. از این رو، تنها به کفایت غسل از وضو در مواردی که استحباب غسل در شرع ثابت شده باشد، بسنده می کنیم.

در پاسخ می توان گفت که عدم شیوع و آشکار نشدن این حکم به دلیل مشکلاتی است که غسل در آن زمان ها دربر داشته و به این دلیل کمتر مورد توجه مسلمانان قرار گرفته و در گذر زمان به فراموشی سپرده شد.

بلکه برخی از احادیث شواهدی درباره این مطلب به دست می دهند:

یکم. علی بن جعفر عن أخیه موسی (ع) قال: سألته عن الرجل لا یكون علی وضوء فیصیبه المطر حتی یتبل رأسه ولحیته وجده ویداه ورجلاه می یجزیه ذلک من الوضوء؟ قال: ان غسله فإن ذلک یجزیه؛^{۸۰} علی بن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر (ع) سوال کردم: باران مرد بی وضویی را فرا می گیرد، به طوری که سر و ریش و بدن و دست ها و پاهایش خیس می شود، آیا آن وی را از وضویی نیاز می کند؟ امام (ع) فرمود: اگر او را بشوید، آن برایش کافی است. «فقها این حدیث را بر این حمل کرده اند که با آب باران با رعایت ترتیب می توان وضو گرفت، ولی سؤال و جواب این روایت ناظر به وضو نیست، بلکه نظر راوی به این است که آیا غسل با آب باران انسان را از وضویی نیاز می کند یا نه؟ و اطلاق آن شامل مواردی می شود که غسل خاصی بر عهده مکلف نباشد.

علاوه بر آنکه وضوی با آب باران برای کسی که سر و پاهایش خیس شده

۸۰. جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۲۹۷، ۲۰۳۶.

غیرممکن است و نمی‌توان آن را بر وضو حمل کرد و روایات متعددی از علی بن جعفر درباره غسل کردن با آب باران رسیده است.^{۸۱}

دوم. «عیص بن القاسم عن ابی عبداللّه (ع) قال: من ذکر اسم اللّٰه تعالی علی وضوئه فکأنما اغتسل»^{۸۲} عیص بن قاسم از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرمود: هرکس نام خداوند تعالی را بر وضویش ببرد، گویا غسل کرده است.

این حدیث دلالت می‌کند که غسل مرتبه کاملی از وضو است و بنابراین، می‌توان استفاده کرد که غسل همه مراتب و ویژگی‌های وضو را دربر دارد و در همه موارد می‌توان از غسل به جای وضو استفاده کرد.

نتیجه

همه غسل‌های واجب و مستحب مکلف را از وضو بی‌نیاز می‌کنند، بلکه می‌توان گفت در همه موارد وضو می‌توان به جای وضو غسل کرد و بنابراین، برای اثبات مشروعیت غسل نیازی به دلیل خاص وجود ندارد و بنابر استحباب نفسی وضو غسل نیز مستحب نفسی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۸۱. ر. ک: جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۶۷۶-۲۶۷۳.

۸۲. ر. ک: جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۸۹.